خبر

درخواست تشکیل بورس برق به سازمان بورس ارائه نشده است

سنا: تاکنون هیچ گونه درخواستی برای تشکیل بورس برق به سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه نشده و درخواست صدور هرگونه مجوز برای بورس برق باید به هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه و سپس در شورای عالی بورس مطرح شود.

مدیر روابط عمومی و امور بین الملل سازمان بورس و اوراق بهادار گفت: طبق بند ۵ ماده ۷ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران درخواست صدور مجوز تاسیس هر نوع بورس در حیطه وظایف و اختیارات هیأت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار است و بنابراین درخواست صدور مجوز برای تاسیس بورس ها باید به هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار ارائه و پس از تصویب در هیات مدیره سازمان این درخواست جهت صدور مجوز به شورای عالی بورس تقدیم می شود.

حسینی افزود: تاکنون هیچ گونه درخواستی برای صدور مجوز بورس برق به این سازمان ارائه نشده است.

خصوصی سازی بانک ها در نوبت

ایسنا: تمامی مراحل خصوصی سازی بانک ها طی شده است و عملیاتی شدن آن وابسته به نظر هیات وزیران است.

سیدحمید پورمحمدی - معاون امور بانکی، بیمه یی و شرکت های دولتی وزیر امور اقتصادی و دارایی - در پاسخ به این سوال که بانک ها چگونه از طریق افزایش سرمایه، حق تقدم خود را به فروش می رسانند، تصریح کرد: برنامه های خصوصی سازی بانک ها نهایی شده و برای هیات عالی واگذاری ارسال شده است. او سازوکار خصوصی سازی بانک ها را به دو گونه عنوان کرد و گفت: در یک روش سهام آن مستقیماً به فروش می رسد و دیگر آنکه حق تقدم آن به فروش می رسد.

وی ادامه داد: فروش حق تقدم به این معنا است که سرمایه بانک افزایش می یابد. این امر برای نظام بانکی بهتر است؛ یعنی اگر بتوان به میزان پنج برابر افزایش سرمایه حق تقدم به فروش رساند، بدان معنا است که قدرت بانک پنج برابر افزایش می یابد.

به گفته پورمحمدی، به دولت پیشنهاد می شود که بیشتر از طریق واگذاری حق تقدم به خصوصی سازی بانک ها اقدام کند، اما در نهایت هیات عالی واگذاری تصمیم گیرنده اصلی است.

وی ادامه داد: در برنامه یی که به هیات عالی واگذاری ارائه شد، مطرح شده که برای خصوصی سازی بانک ها حدود ۱/۵ سال تلاش شده است و سه کارگروه آماده سازی شفافیت مالی، به کارگیری تجارت جهانی و تنظیم کننده قوانین و مقررات کار خود را آغاز کرده اند.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان اینکه فعالیت این سه کارگروه تا پایان سال گذشته به اتمام رسید، خاطرنشان کرد: بعد از جلساتی با سازمان بورس اوراق بهادار سازمان خصوصی سازی و بانک ها تشکیل شد.

این اقدامات دو هفته پیش نهایی و پیشنهادات به هیات عالی واگذاری ارائه شد.

پورمحمدی ادامه داد: هیات عالی واگذاری بحث خصوصی سازی بانک ها را تصویب کرد و به هیات وزیران ارسال شد و بررسی آن باید انجام و نتیجه حاصله مطرح شود.

قیمت جهانی پنبه پایین نخواهد رفت

ایسنا: رئیس هیات مدیره اتحادیه پنبه کاران کشور اظهار کرد: «با توجه به مشخص بودن سطح زیرکشت پنبه در حال حاضر اصلاً امکان صادرات پنبه را نداریم.»

علی مظفری افزود: «در حال حاضر به رغم اینکه کشور به یکی از کشورهای واردکننده پنبه تبدیل شده است، ولی صادرات پنبه از نظر وزارت بازرگانی معنا ندارد و در عین واردات پنبه می توانیم صادرات نیز داشته باشیم.»

وی تاکید کرد: «اگر صادرات پنبه به این معنی باشد که در کشور مازاد پنبه وجود دارد دروغ است و صادرات در حالی صورت می گیرد که نیاز داخل تامین نشده است و باید برای نساجی های داخل کشور واردات انجام شود.»

مظفری تولید سال آینده را بین ۶۰ تا ۶۵ هزار تن عنوان کرد و با بیان اینکه امسال با ۱۰ هزار هکتار کاهش سطح زیرکشت نسبت به سال قبل حدود ۷۵ هزار تن پنبه در کشور تولید شده است، ادامه داد: «در صورتی که تجار پنبه تولید داخل را نخرند امکان صدور پنبه در کشور وجود دارد.»

رئیس هیات مدیره اتحادیه پنبه کاران کشور افزود: «آنچه مسلم است امسال قیمت جهانی پنبه پایین نخواهد رفت که بگوییم نساجی های کشور رغبتی برای وارد کردن پنبه از خارج داشته باشند و در حال حاضر با افزایش قیمت پنبه به ۱/۵۸ دلار در هر کیلو و همچنین با توجه به سود و عوارض بانکی واردات پنبه برای نساجی ها مقرون به صرفه نیست و نساجی ها به دنبال حفظ تولید داخل هستند، چراکه به تبع افزایش قیمت های جهانی قیمت های داخلی نیز مطابق با آن افزایش می یابد.»

وی در پایان افزود: «اگر قیمت های داخلی نسبت به قیمت های جهانی ارزان تر باشد قطعاً تجار برای منافع بیشتر پنبه را صادر می کنند، ولی اگر قیمت های داخلی مطابق با قیمت های جهانی باشد نساجی ها ترجیح می دهند از تولید داخل استفاده کنند.»

اقتصاد ایران

میوه های بزرگ نفت در سبد کوچک اوپک

زمانی برای دیوانگی شاخص ها

«شاخص های نفت دیوانه شده اند و دیگر نمی توان به سادگی در مقابل آنها ایستاد. این یک زنگ خطر برای اقتصاد جهانی است.»

این جمله را یکی از مدیران نفتی می گوید. زمانی که خبرنگاران در مقابل تالار بزرگ نفتی لندن در مقابل او به صف می شوند و سوال های متعددی را در مورد تغییر و تحولات نفتی مطرح می کنند. به نظر می رسد حق با او باشد. شاخص های جهانی نفت دچار یک جنون شده اند، اما نباید فراموش کرد که این جنون اقتصادی اتفاق تازه یی نیست. البته مدیران نفتی یا رهبران غول های نفتی غرب نیز این مساله را می دانند ولی دلهره آنها باعث شده است که این بار نیز درست مثل تمام دفعات که بهای جهانی نفت با یک حرکت انفجاری بالا می رود، همه چیز در اقتصاد نفتی جهان سیاه شود.

البته شاید بتوان گفت که در شوک تازه نفتی این مساله زیاد هم عجیب نیست.

چند ماه پیش که بهای نفت تا ۵۷ دلار کاهش یافت دیگر هیچ شکی در اردوی مصرف کنندگان توسعه یافته باقی نمانده بود که دوران ابر اقتداری طلای سیاه پایان یافته است.

مخصوصاً آن که با سقوط شاخص های نفت، اوپکی ها نیز دچار تزلزل در جایگاه عرضه کنندگان اصلی طلای سیاه شده بودند.

آنها، یعنی همان اوپکی های معروف در دو مرحله برای ساماندهی بازارهای نفتی و بازگرداندن بهای نفت به مرز ۶۵ دلار نزدیک به ۱/۷ میلیون بشکه از تولید روزانه خود را کاهش داده بودند اما باز هم نفت از ۵۷ دلار تکان نمی خورد. چنین اتفاقی یک بلای اقتصادی برای اوپکی ها محسوب می شد.

برای همین شادمانی نفتی را می شد به سادگی در چادرهای اقتصادی غرب مشاهده کرد. ولی این فصل نفتی خیلی پا برجا نماند چون اکنون چند وقتی می شود که به قول مدیران نفتی غرب، شاخص ها دیوانه شده اند. برای لحظه یی فکر کنید که نفت یک بار دیگر تا نزدیک ۷۸ دلار بالا آمده است.

این نرخ شوخی نیست بلکه واقعیتی است که توانسته در دو هفته یا سه هفته گذشته در لندن و در نیویورک دلالان نفتی را آشفته کند. حالا دیگر می توان با قاطعیت گفت که هیچ چیز در دنیای نفتی قابل پیش بینی نیست. اگر تا چند ماه پیش تحلیلگران غربی با قاطعیت از پایان دوران نفت گران صحبت می کردند؛ همین چند روز قبل که رسانه های خبری، نفت ۷۷ دلاری را گزارش کردند «کلود ماندیل» - رئیس آژانس بین المللی انرژی - نیز با قاطعیت از پایان روزگار نفت ارزان خبر داد و به مصرف کنندگان غربی گفت که کمربندها را سفت کنید. او در فیلم های خبری دائم می خندید و کراوات قرمز زنگش را سفت می کرد ولی پشت سر هم به مخاطبان خود می گفت که باید بسیج عمومی برای جلوگیری از انفجار قیمت به راه انداخت.

البته منظور او از بسیج عمومی، حرکت تند و تیز اوپکی ها برای جلوگیری از رشد قیمت ها است. این مساله طی چند دهه گذشته به رسمی ثابت در بازار جهانی نفت تبدیل شده است.

هر گاه قیمت ها بیش از انتظار توسعه یافته ها بالا می رود اوپکی ها مورد هجوم قرار می گیرند که باید با افزایش تولید در برابر رشد قیمت های نفت بایستند اما این بار همه چیز تغییر کرده است. یعنی نه تنها اوپکی ها مثل سال های قبل فرزندان خوبی برای بازارهای جهانی طلای سیاه نیستند بلکه هیچ شکی در میان تحلیلگران باقی نمانده است که رویارویی یا همان درگیری قدیمی بین مصرف کنندگان با تولیدکنندگان آسیایی نفت تا چند سال دیگر به پایان می رسد.

این مساله از داستانی نه چندان خوشایند تبعیت می کند. تحقیقات انجام شده توسط بنگاه های اقتصادی نشان می دهد که تا ۵ سال دیگر همه چیز در جهان نفتی آرام می گیرد چون تولید نفت به خاطر سقوط شدید صنایع نفتی آنقدر کاهش می یابد که دیگر نه لازم است مصرف کنندگان زیاد عصبی شوند و نه حتی تولیدکنندگان مجبور خواهند شد برای کنترل اشتهای بزرگان اقتصادی جهان هزار و یک نوع رایزنی و دیالوگ دیپلماسی - اقتصادی را تجربه کنند. در واقع اگر این سناریوی مراکز تحقیقاتی درست باشد تا ۵ سال آینده دیگر نفتی در مقیاس بزرگ باقی نمی ماند که به خاطر آن آشوب نفتی روی دست اقتصاد جهانی باد کند.

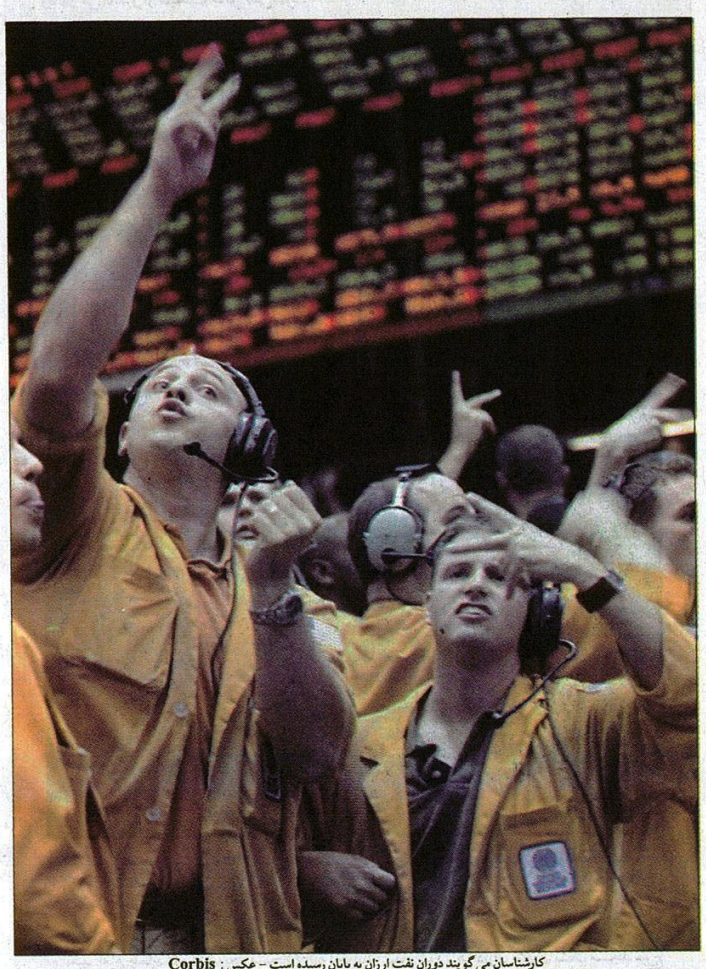

کارشناسان می گویند دوران نفت ارزان به پایان رسیده است - عکس: Corbis

البته در این شرایط تولیدکنندگان نفت دچار آسیب بیشتری خواهند شد چون در این گونه از کشورها هنوز دولت های رانتیر مسوول فروش نفت و تزریق آن به حوزه های مختلف اقتصادی هستند. دولت ها رانتیر نیز دولت هایی هستند که حداقل بیش از ۴۲ درصد منابع مالی خود را از طریق فروش نفت به دست می آورند. این مساله در واقع گوشه یی از جهان نفتی را به تصویر می کشد.

فارغ از این باید گفت که هر اتفاقی در آینده رخ دهد، زیربنای آن یا سکوی پرتاب در حال حاضر به وجود آمده است. قیمت ۷۸ دلار برای نفت به طور قطع یک طعم تلخ برای اقتصاد جهانی خواهد بود. در حال حاضر اوپکی ها نیز نفت خود را حداقل با ۷۳ دلار راهی بازارهای جهانی می کنند. یعنی سبد کوچک آنها به قول تحلیلگران نفتی پر از میوه های بزرگ شده است.

البته این ضرب المثل فضای اقتصاد دولتی در این کشورها را به چالش می کشد. وقتی نفت گران می شود، در کشورهای تک محصولی هیچ اتفاقی نمی افتد جز بزرگ تر شدن دولت های نفتی یا به تعبیری دولت های غیرپاسخگو در اقتصاد.

این پدیده آنقدر ناگوار است که برخلاف دولت های نفتی مردمی که در این کشورها ساکن هستند نه تنها با گران شدن نفت خوشحال نمی شوند بلکه می توان به سادگی تلخی را در چهره آنها تماشا کرد. از این زاویه باید پذیرفت که بالا رفتن بهای نفت، گلوله یی است که هر دو طرف حاضر در اقتصاد نفتی جهان را مورد هدف قرار می دهد. گره این ماجرا اما زمانی معلوم می شود که بدانیم این بازی تکراری تازه آغاز شده است.

شاید به همین خاطر است که نفتی های غربی می گویند شاخص ها دیوانه شده اند چون اکثر تحلیلگران نفتی یا فعالان در بنگاه های تحقیقاتی بر این باورند که به زودی باید تولد نفت ۹۵ دلاری را جشن گرفت. رقمی که بدون شک شاخص ها را منجمد می کند.

این اتفاق به باور کارشناسان البته به نحوه رویارویی یانکی ها با فعالیت های هسته یی ایران از یک سو و رفتار تروریست ها در بازار جهانی نفت بستگی دارد. تروریست ها تنها گروهی هستند که نقش آنها واقعی تحمیل نشده است. در واقع گرانی تازه نفت با حمله آنها به دلتای نیجریه منطقه نفتی نیجریه شروع شد. آنها در اطلاعیه های خود می گویند که برای روزهای آینده تالارهای نفتی جهان را ترک نخواهند کرد.

> **تروریست ها تنها گروهی هستند که نقش آنها واقعی تحلیل نشده است. در واقع گرانی تازه نفت با حمله آنها به دلتای نیجریه، منطقه نفتی نیجریه، شروع شد آنها در اطلاعیه های خود می گویند که برای روزهای آینده تالارهای نفتی جهان را ترک نخواهند کرد**

این یک خط و نشان تند است که اگر به واقعیت تبدیل شود اصلاً نباید در انتظار بازگشت نفت به نقاط پایین یا همان قیمت های قبلی بود. در مورد ایران نیز همه چیز روشن است. سنگ اندازی در جریان صلح آمیز هسته یی ایران در واقع پرخطر ترین ترم نفتی از سوی تحلیلگران معرفی می شود. این موضوع را حتی کارشناسان امریکایی نیز پذیرفته اند.

در همین رابطه موسسه تحقیقاتی امریکایی هریتیج پیش بینی می کند که هرگونه اقدام در حمله به ایران نفت را به بشکه یی یکصد و پنجاه دلار می رساند.

به گزارش الف، موسسه امریکایی هریتیج در اقدامی با حضور دولتمردان امریکایی و کارشناسان این موسسه در مدت چهار ماه به بررسی پیامدهای هرگونه اقدام در حمله احتمالی به ایران پرداخت. به نوشته پایگاه اینترنتی این موسسه تحقیقاتی امریکا، هرگونه اقدام در حمله احتمالی به ایران بحران انرژی را سبب شود.

بر اساس ادعای موسسه امریکایی هریتیج، الگویی که این شبیه سازی و الگوی مانورگونه براساس آن تنظیم شده، بسیار واقعی است و براساس این طرح، پس از وضع تحریم های شدید شورای امنیت سازمان ملل متحد ایران از ان پی تی خارج می شود و آزمایش اتمی انجام می دهد.

امریکا نیز در مقابل مراکز هسته یی و پایگاه های هوایی ایران را بمباران می کند، علاوه بر آن ایران علیه امریکا و هر کشور متحد امریکا تحریم نفتی اعلام می کند و حداقل یک نفتکش را در تنگه هرمز غرق می کند. ونزوئلا نیز برای همدردی با ایران تحریم نفتی علیه امریکا وضع می کند.

در این پروژه تحقیقاتی موسسه هریتیج تاکید شده است که گام هایی برای تخفیف شوک نفتی از سوی امریکا برداشته می شود و ممکن است این حمله سریع نظامی، باعث باز شدن تنگه هرمز شود و امریکا از ذخایر استراتژیک خود استفاده کند.

موسسه امریکایی هریتیج مدعی شده است: حتی در بدترین شرایط که تحریم نفتی ایران باعث افزایش قیمت نفت تا ۱۳۵ دلار و از دست رفتن یک میلیون شغل در امریکا می شود دولت می تواند شرایط را در مدت شش هفته کنترل کند.

در این طرح و نتایج آن آمده است: اندیشمندان بنیاد تحقیقاتی هریتیج از دسامبر ۲۰۰۶ تا مارس ۲۰۰۷ تمرین های شبیه سازی انجام دادند که در آن پیامدهای هرگونه اختلال اساسی در روند جابه جایی نفت در خلیج فارس در عرصه اقتصادی و سیاستگذاری بررسی شد، در این الگوسازی از سناریوی واقع بینانه بسیار پیشرفته و باتوجه به روندهای اقتصاد خرد استفاده شد.

در انجام این پروژه تحقیقاتی یک گروه از کارشناسان صاحب نظر در حوزه های مرتبط از موسسات تحقیقاتی، تجاری، دولتی و استادان دانشگاه از واشنگتن شرکت داشتند.

در ادامه این مطلب تصریح شده است: این پروژه تحقیقاتی، اصولی بود که در آن الگوسازی رایانه یی با مانورهای جنگی با یکدیگر ترکیب شدند تا مشخص شود تصمیم گیری های امریکا در دوران بحران چگونه بر بازارهای جهانی انرژی تاثیرگذار است واقتصاد امریکا چگونه می تواند خودش را با بروز اختلال های ناگهانی و مهم در تامین نفت هماهنگ کند.

در چنین وضعیتی امریکا به بحرانی پاسخ می دهد که به واسطه تلاش ایران برای مسدود کردن تنگه هرمز به وجود می آید. این شبیه سازی مانورگونه با یکسری پیامدهای اقتصادی مبتنی بر سناریویی آغاز می شود که در آن ایران در ژانویه ۲۰۰۷ تنگه هرمز را مسدود می کند.

در ادامه این گزارش تصریح شده است: تیم اقتصادی بنیاد هریتیج، پس از مرحله فوق، آثار اقتصادی احتمالی مسدود شدن تنگه هرمز را بر قیمت نفت در بازارهای جهانی و اقتصاد امریکا الگو سازی کردند. آنها به این نتیجه رسیدند که در بدترین شرایط اتفاقات ذیل رخ می دهد:

۱- قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت نفت پایه در سه ماهه سوم سال ۲۰۰۷ به بشکه یی یکصد و پنجاه دلار خواهد رسید که بدین ترتیب افزایش ۸۵ دلاری در قیمت هر بشکه نفت خام مشهود خواهد بود.

۲- تولید ناخالص داخلی امریکا در سه ماهه چهارم سال ۲۰۰۷ بیش از ۱۶۱ میلیارد دلار کاهش خواهد یافت و تقریباً در سطوح زمان غیربحران باقی خواهد ماند.

۳- اشتغال در بخش خصوصی غیرشرکتی تا اواسط سال ۲۰۰۸ یک میلیون مورد کاهش خواهد یافت و یک میلیون نفر از کار بیکار خواهند شد.

۴- درآمد واقعی قابل خرج کردن تا سه ماه چهارم سال ۲۰۰۷ بیش از ۲۶۰ میلیارد دلار کاهش خواهد یافت.

با این حساب باید گفت که طلای سیاه تازه به روزگاری سخت رسیده است. اکنون دیگر نمی توان سقوط یا صعود منحنی های نفتی را نادیده گرفت چون این کالای بدرنگ با اقتصاد جهانی شوخی نمی کند. این اتفاقات اگر رخ دهد یا به مفهومی ساده تر اگر یانکی ها همچنان برای نفتی های جهان خط و نشان بکشند آن وقت دیگر به طور جدی شاخص ها دیوانه می شوند. آیا اینگونه نیست؟

اقتصاد نفتی، سیاست زغال سوز

رضا مجیدزاده

کارل پولانی سه نوع نظام اقتصادی را از یکدیگر تفکیک می کند؛ نظام باز توزیعی، نظام رقابتی و نظام خوش و بش. نظام رقابتی در اقتصادهای سرمایه داری پیشرفته مشاهده شده است. با وجود گونه های مختلف ساختار رقابتی به واسطه تفاوت در قدرت و درجه انحصار، نظام رقابتی از طریق توازن دوگانه هم در زیر سیستم اقتصادی و هم در زیر سیستم سیاسی جامعه وجود دارد. به عبارت دیگر گونه های رقابتی ساختار اقتصادی با جوامعی سازگارند که در آنها گروه های متعددی برای کسب قدرت، کنترل و اعمال خشونت در دستیابی به منابع با یکدیگر در حال ستیزند. به دلیل وابستگی دولت به طبقات اقتصادی و نهادهای کارآمد تولیدی، در این گروه از کشورها، دموکراسی حاکم است. به این معنا که ستیز مکرر گروه ها برای کسب قدرت کنترل بر منابع، منجر به ایجاد زمینه لازم برای پایبندی گروه حاکم به تعهدات خود می شود. ضمن اینکه اتحادیه ها، سندیکاها و اصناف نیز در افزایش پایبندی دولت به تعهدات خویش و کاهش خطا در نظام تصمیم گیری کمک می کنند. به دیگر سخن در این نظام ها، قدرت های اقتصادی در بازی طراحی نهادی نیز درگیرند. از این رو خواست اکثریت در تصمیمات حکومت اعمال می شود و از جنبه انحراف از وضعیت بهینه تمام افراد جامعه خطا حداقل می شود.

در نظام های خوش و بش که در قبایل بدون ساکن آفریقا حاکم هستند، تولید یعنی شکار و گردآوری گروهی است و توزیع منابع و منافع به نزدیکی با رئیس و توانایی متقاعد کردن وی در کسب منابع بیشتر بستگی دارد. این نظام ها نقطه مقابل نظام رقابتی اند. در چنین ساختارهایی تولید در ابتدایی ترین شکل وابسته به مواهب طبیعی است و رانتی ترین شکل حکومت دیده می شود. در چنین نظام هایی طراحی نهادی وجود ندارد و رئیس قبیله تصمیمات را مطابق سنت های کهن بدوی اتخاذ می کند. در مواردی که تصمیمات با منافع یا میزان دسترسی منابع برای عده یی متعارض است، رئیس قبیله به خرافات و جادو متوسل می شود. بافت اقتدار در این نظام ها غیرعقلانی، سنتی و استبدادی محض است.

جوامع دیگری وجود دارند که در این دسته بندی مختصات بین نظام رقابتی و خوش و بش قرار می گیرند. این نظام ها ساختار و کارکردی نزدیک به ساختار نظام های خوش و بش دارند. این نظام ها در کشورهایی استقرار یافته اند که دارای یک منبع طبیعی دارای بهره مالکانه هستند. کشورهای صادرکننده نفت خام نمونه بارز چنین نظام هایی را محقق ساخته اند. در بسیاری از موارد نظام بازتوزیعی وابسته به مسیر شیوه تولید آسیایی است. در این گونه نظام های اقتصادی به دلیل بهره مالکانه، یک دولت مرکزی مقتدر، اغلب با اقتدار پاتریمونیالیستی بر جامعه حاکم می شود و بازتوزیع منافع حاصل از استخراج ماده خام و فروش آن را به عهده می گیرد. از این رو ساختار توزیع شباهت زیادی به نظام خوش و بش دارد. مهمترین ویژگی این نظام ها عدم وابستگی دولت به طبقات است. استقلال درآمدی دولت آن را به یک لویاتان سرکش مبدل می کند که با استقرار کانون های توزیع رانت پایه های قدرت خود را تثبیت می کند. اقتصادهای صادرکننده نفت خام چنین ساختاری دارند. دولت به صورت فراطبقاتی عمل می کند و اقداماتش تنها به نفع شبه طبقه یی است که از ملاکان کمپرادور تشکیل شده و برای توجیه اقدامات خود اغلب ژست های پوپولیستی می گیرد. بدین سان علاوه بر استفاده از استقلال درآمدی و وابستگی جامعه به دولت، نه حزبی وجود دارد، نه قانون به معنای قواعد رسمی برآمده از مناسبات تولیدی و الزامات آن و نه تصمیم گیری دولت با هدف بهینه سازی رفاه جامعه صورت می گیرد. در این نظام ها دولت یگانه بازیگر طراح نهادی است و احزابی که به ظاهر شکل گرفته اند در واقعیت عاملی برای تثبیت قدرت دولت می شوند، زیرا دولت یگانه قدرت اقتصادی است. به این ترتیب نه ساختار سیاسی و نه ساختار اقتصادی، هیچ کدام رقابتی نیستند و دموکراسی نهادینه نمی شود. اگرچه ممکن است در ظاهر رای مردم مهم قلمداد شود، اما در واقعیت مردم قدرت اقتصادی ندارند و به رانت ناشی از منبع طبیعی عادت کرده اند و وابسته به نوسان در رفتار توزیعی دولت هستند. یعنی زمانی که شرایط اقتصادی کساد شود، به طراحی نهادی دولت تن داده و از این رو جامعه همواره از «بهینه پارتو» دور است.

اقتصاد در وب

قوانین قبلاً کشف شده

وحید محمودی

به دنبال اجرای یکی از پروژه های عمرانی که لازمه آن تغییر مسیر رودخانه در یک منطقه ییلاقی بوده است، پس از یک یا دو سال ساکنان آن منطقه متوجه می شدند که قورباغه های بی شماری در منطقه پراکنده شده اند. پس از تحقیقات مختلف معلوم می شود که در اثر اجرای پروژه مذکور، آب یک برکه بزرگ در منطقه رو به کاهش گذاشته، به طوری که دیگر پرندگان مهاجر به صورت فصلی به آنجا مهاجرت نمی کنند. این امر موجب افزایش بی اندازه قورباغه هایی شده است که قبلاً توسط این پرندگان شکار می شدند. مدتی پس از اجرای یک طرح و مبارزه با قورباغه ها و از بین بردن آنها متوجه شدند که حشرات در منطقه رو به ازدیاد نهاده به طوری که زندگی را در آنجا مختل کرده است. به سرعت معلوم شد که حشرات نیز خوراک قورباغه ها بوده و با مرگ قورباغه ها افزایش پیدا کرده اند. اجرای طرح ضربتی علیه حشرات، در منطقه و نابودی آنها در سال بعد منجر به افت محصولات باغی و بعضاً زراعی شده و سرانجام نیز حتی این مساله باعث کاهش قیمت زمین های منطقه شد. این واقعه که پیوستگی اکولوژیک و رابطه سیستماتیک و طبیعی پدیده ها را نسبت به یکدیگر نشان می دهد، می تواند بیانگر آن باشد که چرا اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک به رغم ایرادهایی که به آنها وارد است از نظم طبیعی به عنوان بهترین نظام موجود شکل یافته یاد می کنند و با الگوبرداری از آن در واقع بر تعامل آزادانه نیروی فعال در عرصه اقتصاد و عملکرد آزاد بازار تاکید دارند. در این حالت هنگامی که یک عدم تعادل به سیستم وارد می شود می تواند به یک زنجیره از عدم تعادل ها منجر شود که هیچ گاه به تعادل مجدد یا اولیه بازنگردد. اقتصاددانان تلاش کرده اند که نشان دهند در چنین شرایطی رسیدن به تعادل مجدد یا جدید چگونه ممکن خواهد بود. تاکید بر سپردن نتایج مطلوب در عرصه اقتصاد به دست نامرئی آدام اسمیت یا نظم خودجوش هایک به خاطر وجود سازگاری درونی بین اجزای سیستمی است که با دخالت های حداقلی نهادهای بنام دولت می تواند به صورت کارآمد عمل کند. تاکید ناگزیر فوق از آن رو است که عوامل و پارامترهای تاثیرگذار بر یک پدیده یا تاثیرپذیری آن بسیار گسترده و در واقع کنترل و شناسایی آنها بسیار سخت و بعید است. اندازه گیری صحیح و پیش بینی دقیق تغییرات مستلزم داشتن دانش و اطلاعات تقریباً بی نهایت است و چون برخورداری انسان ها از این اطلاعات کامل ممکن نیست لذا روی آوردن به نظم طبیعی که از تعامل آزادانه نیروهای طبیعی (یا فعالان اقتصادی) شکل می گیرد تا حدی گریزناپذیر است. به همین دلیل اقتصاددانان همواره می کوشند با ساده سازی و ساختن مدل های انتزاعی و محدود از تاثیر و تاثر متغیرها بر یکدیگر حتی الامکان رفتار آنها را مورد ارزیابی و تغییرات آنها را جهت استفاده در پیش بینی ها اندازه گیری کنند. بنابراین هنگامی که یک تصمیم اقتصادی به هر دلیل مورد اجرا گذاشته می شود، باید انتظار پیامدهای متعددی را داشته باشیم که بعضاً ناخواسته بوده و در دایره نتایج مورد انتظار ما قرار نداشته اند. نتایجی که می توانند بسیار آزاردهنده باشند و گاهی اهداف اصلی را به طور کل تحت تاثیر قرار داده و چه بسا نتایج معکوس به بار آورند. برای مثال دولت چین به منظور کنترل جمعیت تاکید کرد که هر خانواده می تواند تنها یک فرزند داشته باشد و به فرزند دوم هیچ امتیاز اجتماعی تعلق نخواهد گرفت. هدف از این سیاست گریز از تبعات منفی افزایش جمعیت در کشور بزرگ چین بود. اما پس از یک دهه مشخص شد که نسبت جنسی تغییر شگرفی به نفع جنس مرد داشته است زیرا به خاطر فرهنگ پسرخواهی اجرای این قانون منجر به سقط جنین های دختر شده بود. همگی می دانیم که تبعات تفاوت در نسبت جنسی کمتر از تبعات رشد جمعیت نیست. بنابراین، قصد دارم بر این نکته تاکید بورزم که اگر بنا باشد سیاست کلان اقتصادی (پولی یا مالی) به اجرا گذاشته شود، صرف نظر از پیامدهای ناخواسته لااقل پیامدهای مورد انتظار و متغیرهای تحت تاثیر می بایست مورد بررسی قرار گیرند. برای مثال تصمیم به ایجاد تغییر در نرخ ارز، نرخ بهره، نرخ های مالیاتی و هرگونه سیاست های انقباضی و انبساطی (به خصوص در بخش پولی که شوک های سریعی را به اقتصاد وارد می کند) لازم است که باید با تامل و تحلیل های علمی و کارشناسانه و دقیقی صورت بگیرد. بدیهی است که کاهش ارزش پول ملی می تواند منجر به افزایش صادرات شود اما دوام رشد صادرات به عوامل متعدد دیگری نیز بستگی دارد. در این شرایط اگر عرضه کشش پذیر نباشد افزایش تقاضا برای صادرات (که از کاهش ارزش پول نتیجه می شود) می تواند منجر به افزایش قیمت ها شود. به گونه یی که در زمان کوتاهی با نرخ های جدید ارز نیز صادرات به صرفه نخواهد بود. از سوی دیگر کاهش ارزش پول ملی تولیدات و صنایع داخلی را نیز می تواند تحدید کند. در نتیجه می توان تنها به آثار مستقیم و اولیه اتخاذ سیاست های اقتصادی دل خوش داشت. باز تاکید می شود که اینها آثار شناخته شده سیاست های مزبورند و بسیاری پیامدهای ناخواسته وجود دارد که می توانند به این فرآیند اضافه شوند و مسیر آن را تغییر دهند. به همین ترتیب اتخاذ سیاست هایی نظیر تغییر دستوری نرخ بهره، سیاست هایی در مورد بازار سهام، بازار کار و تجارت خارجی و مانند آن که لااقل شایسته است با توجه به متغیرهای تاثیرپذیر و تاثیرگذار شناخته شده مدنظر قرار گیرد. علم اقتصاد علم بررسی و شناخت و کشف قوانین موجود در رفتار آزادانه عاملان اقتصادی است اگر قرار باشد این رفتارها آزادانه نبوده و به صورت دستوری عمل شود می توان ادعا کرد که اساساً «علم اقتصاد» موضوعیت نمی یابد، در یک نظام متمرکز که در آن حتی برای بخش های به اصطلاح خصوصی نیز تعیین تکلیف می شود، مطالعه رفتار اقتصادی به منظور کشف قانونمندی حاکم در آنها چندان معنا ندارد زیرا ظاهراً این قوانین قبلاً کشف شده و در بخشنامه ها و مقررات جاری کشور مشخص شده اند.

منبع: وبلاگ گذری بر اقتصاد - رضا فرهادی پور